

مواضع فراآتلانتیک؛

همسویی یا ناهمسویی در قبال جمهوری اسلامی ایران

مصطفی قاسمی
کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

چکیده

سیاست اروپا و آمریکا در قبال مسائل مهم بین‌المللی براساس دو نقش تعریف می‌شود: نقش ملی و نقش بین‌المللی - جهانی. سیاست اروپا و آمریکا در قبال مسائل اقتصادی - فرهنگی براساس نقش ملی و سیاست این دو در قبال مسائل سیاسی - امنیتی براساس نقش بین‌المللی - جهانی تعریف می‌شود. اروپا و آمریکا در ایفای نقش بین‌المللی - جهانی خود مسئولیت مشترک دارند (و این روندی است که به تدریج شکل گرفته و به نوعی به اداره امور بین‌الملل مربوط می‌شود) و لذا مسئولیت مشترک، آنها را به سوی اتخاذ مواضع مشترک سوق می‌دهد (هر چند که ممکن است راجع به ابزارها و شیوه‌ها اختلاف نظر وجود داشته باشد)، این در حالی است که این دو در ایفای نقش ملی خود مسئولیتی متفاوت دارند و لذا ممکن است مواضع آنها نیز ناهمسو باشد. دقت در این تفاوت‌ها است که به ما نشان خواهد داد مخالفت اروپا با آمریکا در قضیه پرونده هسته‌ای ایران تا چه حد سطحی و برعکس تلاش اروپا برای از دست ندادن بازار ایران و شریک استراتژیک در منطقه خاورمیانه تا چه اندازه مهم است. لذا با توجه به همگرایی فزاینده اروپا و آمریکا، توجه به این مهم از جانب تصمیم‌گیران و صاحب‌نظران کشورمان ضروری است و نباید انتظار داشته باشند که اروپا علیرغم برخی اختلافات جزئی با آمریکا در خصوص ایران، به مقابله با آمریکا برخیزد.

واژگان کلیدی: اتحادیه اروپا، سیاست خارجی، همگرایی، انرژی هسته‌ای، شورای امنیت.

قدرت‌های اروپایی تا شروع جنگ سرد بازیگران درجه اول بین‌المللی به شمار می‌رفتند اما با فروپاشی نظام به ظاهر همگون اروپایی بعد از جنگ‌های اول و دوم جهانی، نفوذ و سلطه خود را از دست دادند. بدنبال افول قدرت‌های اروپایی بعد از جنگ جهانی دوم، آمریکا جایگزین قدرت‌های اروپایی در نظام بین‌الملل گردید. حاکم بودن فضای جنگ سرد اروپا را زیر چتر حمایتی آمریکا قرار داد. سیاست‌های اروپا در جهان در این دوران تابعی از سیاست‌های آمریکا بود. فروپاشی شوروی اولین امکانات بروز مخالفت در مقابل این سیاست‌های آمریکا را فراهم نمود. اروپا بعد از پایان جنگ سرد تلاش کرده تا نفوذ گذشته خود در خاورمیانه را از سرگیرد. در این راستا برای مدتی در سال ۱۹۹۴ اندیشه ایجاد یک بانک اروپایی برای خاورمیانه مطرح شد تا به گسترش روابط اقتصادی اروپا با این منطقه کمک کند. اما این طرح هیچ‌گاه جامه عمل نپوشید. تلاش‌های دیگر اتحادیه اروپا برای گرفتن سهمی از مدیریت خاورمیانه نیز به جایی نرسید. تنها راهی که فراوری کشورهای اروپایی باقی می‌ماند گسترش روابط دوجانبه هر یک از کشورهای اروپایی با هر کدام از کشورهای خاورمیانه بود. اما آمریکا بانفوذی که در رژیم‌های منطقه دارد به راحتی می‌تواند این راه را نیز مسدود سازد.

به نظر می‌رسد تنها کشور مستقلى که اروپایی‌ها می‌توانند روی آن حساب کنند، ایران است. لذا اروپا در راستای نفوذ هر چه بیشتر در منطقه خاورمیانه و تبدیل شدن به یک قدرت بانفوذ بین‌المللی، برخی مواقع سیاست‌هایی متفاوت با سیاست‌های آمریکا در این منطقه بویژه ایران در پیش گرفته است.

با توجه به دشمنی که آمریکا و ایران با یکدیگر دارند، اروپا در پی استفاده از این فرصت برای نفوذ در منطقه می‌باشد. طی چند سال اخیر آنچه بیش از همه این فرصت را برای اروپا آماده کرده، بحث پرونده هسته‌ای ایران می‌باشد. اروپا که طرف اصلی ایران در مذاکرات هسته‌ای بوده، تلاش کرده تا این پرونده را به سرانجامی برساند اما در این راه بیش از پیش تحت فشارهای آمریکا جهت ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت قرار گرفته است و در واقع با ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت و صدور قطعنامه جهت تحریم ایران تن به خواسته‌های آمریکا داده است. در عین حال سیاست‌های اروپا در قبال ایران کاملاً همسو با آمریکا نبوده است. لذا مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال است که موارد همسویی و ناهمسویی اتحادیه اروپا و آمریکا در قبال ایران چیست؟ در این راستا پی بردن به مواضع اروپا و آمریکا در قبال مسائل مهم بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، از اهداف این مقاله می‌باشد. درک این

مسائل می‌تواند دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در اتخاذ تصمیمی خردمندانه‌تر در محیط نوین بین‌المللی یاری رساند، چراکه، برخی زمامداران معتقدند امکان بهره‌گیری از تضاد و رقابت دو قدرت اروپا و آمریکا براساس دیپلماسی «بده - بستان» وجود دارد و برخی دیگر بر این باورند که ایالات متحده و اتحادیه اروپایی که در اردوگاه غرب قرار دارند از ارزش‌های یکسان و پیوندی ناگسستنی برخوردارند و هیچ‌گاه حاضر نخواهند شد به خاطر ایران روابط فیما بین را خدشه‌دار سازند. این مقاله با بررسی سیاست‌های آمریکا و اروپا در قبال مسائل مهم بین‌المللی ایران تلاش دارد تا به تبیین مواضع اروپا و آمریکا در قبال ایران بپردازد و در ادامه راهکارهایی برای مقابله با این مسائل ارائه دهد.

الف. موارد همسویی و ناهم‌سویی اروپا و آمریکا در قبال ایران

۱. موارد اختلاف نظر

۱-۱. اختلاف نظر در زمینه انرژی نفت و گاز

به رغم تحریم‌های اقتصادی آمریکا براساس قانون داماتو در زمینه منابع نفت و گاز ایران، انعقاد قرارداد توسعه میدان گازی پارس جنوبی با شرکت نفتی توتال به ارزش یک میلیارد و یکصد میلیون دلار از سوی شرکت ملی نفت ایران حکایت از اختلاف مواضع اروپا و آمریکا در زمینه سرمایه‌گذاری در منابع انرژی و منابع نفت و گاز ایران و نیز گسترش فناوری نفتی این کشور دارد. در حالی که آمریکا از فعالیت شرکت‌های آمریکایی در صنایع نفت و گاز ایران جلوگیری می‌کند اروپا مشوق فعالیت شرکت‌های اروپایی در صنعت نفت و گاز ایران است که پروژه پترو پارس دلیلی بر این مدعا است که نوعی اختلاف نظر و حتی رقابت بین شرکت‌های نفتی آمریکایی و اروپایی درباره برنامه‌های نفتی ایران وجود دارد زیرا امروزه با توجه به ارزش نفت برای کشورهای صنعتی، روابط بین‌الملل را نیازهای نفتی مشخص می‌کند و به عبارت دیگر مکانیسم‌های روابط بین‌الملل را نفت جهت می‌دهد.^۱ از این رو، نظر اروپا گسترش مناسبات و همکاری‌ها در زمینه انرژی و نیز انتقال خطوط نفتی و نیز سرمایه‌گذاری و گفت‌وگو با ایران به عنوان یکی از تولیدکنندگان عمده نفت و گاز در جهان است. لذا اروپا در زمینه انتقال گاز ایران به اروپا خواهان همکاری و تعامل با ایران است. در این راستا می‌توان به مذاکرات اخیر ایران و اتریش در صدور گاز ایران به اروپا اشاره کرد. ایجاد خط لوله صادرات گاز ایران به اروپا از طریق ترکیه و یونان آغاز همکاری‌های ایران و اروپا در بخش گاز تلقی می‌شود که تسریع‌کننده فرآیند توسعه روابط استراتژیک دو طرف در تمامی بخش‌ها خواهد بود.

همچنین الحاق ایران به منشور انرژی در چارچوب لزوم چند جانبه‌گرایی حکایت از حمایت اروپا از صادرات گاز ایران به اروپا از طریق روسیه و ترکیه است که با سیاست‌های آمریکا در زمینه تحریم اقتصادی ایران و مخالفت با صادرات گاز ایران به اروپا منافات دارد. البته با توجه به اینکه ۶۰ درصد نفت مورد نیاز اروپا از خلیج فارس تأمین می‌شود طبیعی است که اروپایی‌ها روابط معتدل‌تری نسبت به آمریکا با تهران در پیش‌گیرند و تلاش کنند در خلأ آمریکا پایه‌های معادلات صنعتی و به خصوص تجاری خود با تهران را نسبتاً مستحکم سازند.^۲

۱-۲. اختلاف نظر درباره قراردادهای تجاری

اتحادیه اروپا برخلاف آمریکا خواهان گفت‌وگو و تعامل سازنده با ایران در قالب مناسبات دو جانبه و چند جانبه سیاسی و تجاری می‌باشد. از این‌رو، در چارچوب گفت‌وگوهای فراگیر بین جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپایی خواهان نهادینه سازی مناسبات تجاری از طریق انعقاد قرارداد همکاری و تجارت و گسترش همکاری‌های اقتصادی و مذاکرات تجاری با ایران است. اروپا معتقد به باز نگه داشتن باب گفت‌وگوهای تجاری با تهران می‌باشد و به دلیل مرادفات گسترده تجاری با ایران تا حدودی جانب احتیاط را رعایت می‌کند. اروپا در چارچوب طرح و برنامه مشخص در جهت تقویت مناسبات اقتصادی با ایران خواهان تداوم مذاکره و باز نگهداشتن کانال‌های ارتباطی و توسعه راه‌های گفت‌وگو با ایران است. از این‌رو، سیاست اروپا بر مشارکت و تجارت بیشتر با ایران از طریق دنبال کردن سیاست همکاری و گفت‌وگو و نیز امضای توافقنامه تجاری با ایران استوار است حال آنکه آمریکا در صدد منزوی کردن ایران و ممانعت از سرمایه‌گذاری و تجارت اروپا با تهران در راستای سیاست «تحدید نفوذ» است. از این‌رو، به رغم مخالفت‌های آمریکا، مبادلات تجاری ایران و اتحادیه اروپا ادامه داشته است. حتی حجم مبادلات تجاری بین ایران و اروپا به عنوان بزرگترین گروه تجاری جهان از سال ۱۹۹۸ تاکنون دو برابر شده است. در این میان، نقش محوری فرانسه - آلمان که بیشترین سهم را در بین کشورهای اتحادیه اروپا در زمینه افزایش صادرات به ایران داشته‌اند، حائز اهمیت است. در این راستا در سال ۱۳۸۳ در چارچوب گسترش همکاری‌های اقتصادی ایران و اروپا، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران با شرکت رنو فرانسه قرارداد تولید ۷۰۰ هزار تا یک میلیون دستگاه خودروی ال ۹۰ را به امضاء رسانده است و حتی قول صدور فناوری دو منظوره به ایران داده شده است که حکایت از گسترش همکاری تهران با سومین بلوک جمعیتی جهان یعنی اتحادیه اروپا دارد. ذکر این نکته ضروری است که تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران بیش از همه به سود اروپا بوده است. غیبت شرکت‌های آمریکایی در ایران،

زمینه را برای فعالیت گسترده تر شرکت های اروپایی فراهم ساخته است به گونه ای که در سال های اخیر، شاهد فعالیت های گسترده شرکت های مختلف فرانسوی و آلمانی در بخش های مختلف اقتصادی ایران بوده ایم.^۳

۱-۳. اختلاف نظر در زمینه نحوه اجرای سیاست های حقوق بشری

در ارتباط با اختلاف نظر آمریکا و اروپا در زمینه نحوه اجرای سیاست های حقوق بشری در ایران، اگرچه پیش شرط اروپا و آمریکا در زمینه رعایت حقوق بشر از سوی ایران یکسان است لیکن اروپا معتقد است می توان به تدریج و با برگزاری جلسات، به بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران کمک کرد. بنابراین، اروپا راه حل سیاسی و دیپلماتیک را در مورد وضعیت حقوق بشر ایران ترجیح می دهد در حالی که آمریکا با دخالت و فتنه انگیزی به بهانه حقوق بشر و حقوق زنان در ایران به تحریک افکار عمومی بین المللی علیه ایران پرداخته است.

اروپایی ها معمولاً با زبان دیپلماتیک و محتاطانه با حکومت ایران برخورد می کنند. به همین دلیل این سیاست آنها اخیراً از سوی سازمان های بین المللی حقوق بشر مورد انتقاد قرار گرفته بود. سازمان نظارت بر حقوق بشر، یکی از معتبرترین تشکل های بین المللی مدافع حقوق بشر، سیاست گفت و گوی اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی را نادرست دانست و از کشورهای اروپایی خواست که با صراحت بیشتری نقض حقوق بشر در ایران را محکوم کنند.^۴ به طور کلی دیپلمات های اروپایی معمولاً در اظهارات خصوصی خود می پذیرند که چند سال گفت و گو با مقامات جمهوری اسلامی برای بهبود حقوق بشر در ایران نتیجه مطلوبی نداشته است ولی آنها تأکید می کنند که باز هم گفت و گو کردن و تلاش عملی برای تغییر وضعیت در ایران بهتر از آن است که دست روی دست گذاشته شود تا نقض حقوق بشر در ایران ادامه یابد. نکته آخر اینکه اتحادیه اروپایی معتقد است شرایط شهروندی در ایران به مراتب بهتر از بسیاری از کشورهای دوست آمریکا در منطقه خاورمیانه است.^۵ از این رو، نوعی اختلاف نظر دیپلماتیک میان دو بازیگر در عرصه سیاست های حقوق بشری وجود دارد.

۱-۴. اختلاف اروپا و آمریکا بر سر پرونده هسته ای ایران

در ارتباط با مواضع اروپا و آمریکا درباره برنامه هسته ای ایران باید گفت، اروپا از همان ابتدا ضمن پذیرش حق ایران برای استفاده صلح آمیز از فناوری هسته ای، معتقد بود می توان رفتار ایران را از طریق مسالمت آمیز تغییر داد و نیازی به استفاده از زور برای تغییر رفتار تهران وجود ندارد، به عبارت دیگر اروپا روش مرحله ای و فشار تدریجی را در دستور کار خود در برخورد با پرونده هسته ای ایران قرار داده بود در حالیکه آمریکا از همان ابتدا خواهان برخورد

سخت با موضوع پرونده هسته‌ای ایران از طریق ارجاع به شورای امنیت سازمان ملل بود. به عبارتی اروپایی‌ها رفتن به شورای امنیت و تحریم‌ها را در سیاست‌هایشان منظور کرده بودند ولی عنوان می‌کردند اگر در نهایت ایران نپذیرد، سرانجام مسئله به شورای امنیت ارجاع خواهد شد، که با فشارهای آمریکا بر اروپا این امر تاکنون محقق شده است.^۶ البته اروپا هنوز معتقد است با دوری جستن از سیاست‌های سخت‌افزاری و با اولویت‌دهی به ابزارهای اقتصادی، بهتر می‌توان بر فرایند تصمیم‌گیری در ایران اثر گذاشته و تهران را به تجدیدنظر در فعالیت‌های هسته‌ای خود وادار نمود. بنابراین، در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران نیز سیاست اصلی و محوری اتحادیه اروپا، در قالب این رهیافت کلی، اقناع و ترغیب جمهوری اسلامی برای بازتعریف سیاست خارجی از راه‌های گوناگون می‌باشد. بیانیه سعدآباد و توافقنامه پاریس میان ایران و اروپا، نشان‌دهنده این راهکار و رویکرد اروپایی در برابر رهیافت قهرآمیز آمریکا بود. اتحادیه اروپا در زمینه فعالیت‌ها و برنامه‌های هسته‌ای ایران هدف‌هایی را پیگیری می‌کند که آفریننده فرصت‌ها و نیز محدودیت‌هایی برای جمهوری اسلامی در این عرصه است.

در واقع اروپا بیشتر روش تدریجی و مرحله‌ای را در نظر دارد. به نظر آنها آمریکا می‌بایست وارد قضیه شود، چون «پلیس خوب» و «پلیس بد» دارای محدودیت‌های مربوط به خویش است. تنها راه حل برای تغییر سیاست‌های ایران این است که آمریکا هم کمی امتیاز برای ایران در نظر بگیرد و اروپا فشار بیشتری وارد کند؛ آمیزه‌ای از فشار اروپا و امتیاز آمریکا می‌تواند تغییردهنده رفتار ایران باشد.^۷ در واقع اروپا هنوز سیاست چماق و هویج را در قبال ایران دنبال می‌کند. در این راستا اروپا از یک طرف در کنار آمریکا با صدور قطعنامه در شورای امنیت به تحریم ایران می‌پردازد، در عین حال همزمان سیاست گفتگو و مذاکره با ایران را نیز همچنان دنبال می‌کند.

۲. موارد همسویی:

۱- ۲. مسائل حقوق بشر

اتحادیه اروپا و آمریکا بر ضرورت اعمال فشار بر ایران برای تحقق مردم‌سالاری و رعایت حقوق بشر تأکید دارند. وزارت خارجه آمریکا در گزارش سالانه خود آورده است «استراتژی ایالات متحده آمریکا در زمینه وضعیت رعایت حقوق بشر در ایران بر این اساس استوار است که آمریکا از دوستان و متحدان خود می‌خواهد روابط خود با تهران را براساس بهبود وضعیت رعایت حقوق بشر در ایران تنظیم کنند و از کوشش دنباله‌دار مردم ایران برای ایجاد و نهادینه کردن آزادی‌ها و افزایش مشارکت سیاسی حمایت به عمل آورند. طبیعتاً ایالات متحده برای

تصویب قطعنامه‌هایی در سازمان ملل و دیگر مجامع بین‌المللی علیه سیاست ضد حقوق بشری ایران فشار وارد خواهد کرد».^۸

اتحادیه اروپا نیز از ایران به خاطر ادامه نقض حقوق بشر انتقاد می‌کند. این اتحادیه همواره در بیانیه‌های خود علیه ایران، نگرانی عمیق خود را نسبت به تداوم و شمار بسیار زیاد موارد نقض حقوق بشر در ایران اعلام کرده است. در این بیانیه‌ها عموماً به تبعیض علیه زنان، اعمال شکنجه و «فرهنگ بی‌مجازات ماندن عاملان نقض حقوق بشر» اشاره می‌گردد. در کنار این بیانیه‌ها، بعضاً برخی اعتراضات سازمان‌دهی شده نیز در سطح اروپا علیه وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران صورت می‌پذیرد. دو بازیگر در مورد اعمال فشار بر ایران برای گردن نهادن به اصول دمکراتیک در انتخابات آزاد و عادلانه، مخالفت با نحوه برگزاری انتخابات مجلس، اصلاح قوانین موجود ایرانی زنان در زمینه شهادت زنان، سنگسار، همچنین دادن حق طلاق به زنان، مسئله دیه و واگذاری مسئولیت اجتماعی به زنان، آزادی مطبوعات، حاکمیت قانون، رعایت حقوق اقلیت‌ها، لغو مجازات اعدام، منع شکنجه و آزادی بیان اتفاق نظر داشته‌اند.^۹ در واقع، اروپا و آمریکا به ضرورت تبعیت ایران از استانداردهای شناخته شده بین‌المللی که در عهدنامه‌های بین‌المللی حقوق بشر به آنها اشاره شده است تأکید دارند و در زمینه اعمال فشار بر ایران در اجرای سیاست‌های حقوق بشری همسو هستند.^{۱۰}

۲-۲. پرونده هسته‌ای ایران

مورد دیگر، همسویی مواضع اروپا و آمریکا در مخالفت با برنامه هسته‌ای ایران به منظور جلوگیری از در اختیار داشتن توان تولید سوخت هسته‌ای ایران می‌باشد. البته اروپا و آمریکا ابتدا بدنبال محروم کردن کامل کشورمان از دستیابی به انرژی هسته‌ای بودند اما با پافشاری و ایستادگی مسئولین و حمایت مردم، غرب از این خواسته خود عقب‌نشینی نمود و اکنون با به رسمیت شناختن ایران هسته‌ای بدنبال محروم کردن ایران از تولید سوخت هسته‌ای و وابسته کردن ایران به غرب می‌باشند. لذا دو قدرت بر ضرورت اعمال فشار بر ایران برای توقف برنامه‌های هسته‌ای، پایان دادن به هر گونه غنی‌سازی یا پردازش مجدد اورانیوم، رعایت مفاد توافقنامه تهران و نیز مفاد معاهده منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای (NPT) به عنوان اقدامی به سود جامعه بین‌المللی و شفاف سازی سیاست‌های هسته‌ای ایران به ویژه ضرورت تجدیدنظر در رآکتورهای تحقیقاتی و پروژه آب سنگین اراک تأکید دارند. از این رو در زمینه اعمال فشار علیه ایران در شورای امنیت و تصویب برخی قطعنامه‌های ضد ایرانی برای تحریم کشورمان و مخالفت با

عملکرد هسته‌ای ایران که آن را غیرشفاف تلقی می‌کنند، بین مواضع اروپا و آمریکا همسویی وجود دارد.^{۱۱} هر چند اروپا از همان ابتدا نسبت به آمریکا سیاست‌های منعطف‌تری را در قبال فعالیت‌های هسته‌ای ایران در پیش گرفته است اما هر دو قدرت بر سیاست فشار بر ایران به منظور گردن نهادن به خواسته غرب و مشروط کردن تعلیق تحریم‌ها علیه ایران در برابر تعلیق غنی‌سازی اورانیوم از طرف ایران (تعلیق در برابر تعلیق) پافشاری می‌کنند.

ب. دلایل همسویی یا ناهمسویی در مواضع اتحادیه اروپا و آمریکا

در عرصه بین‌المللی، بازیگران مختلفی وجود دارند که کشورها مهم‌ترین آنها هستند. کشورها جزیره‌هایی منزوی نیستند بلکه با یکدیگر در تعامل و ارتباط هستند. کنش و واکنش کشورها نسبت به هم متفاوت است. گاه همسو و مشترک و گاه ناهمسو و متعارض‌اند. سؤال این است که چه عامل یا عواملی باعث می‌شود کشورها مواضعی همسو و یا ناهمسو اتخاذ کنند؟ پی بردن به دلایل همسویی یا ناهمسویی مواضع کشورها به دستگاه سیاست خارجی هر کشوری کمک می‌کند تا در خصوص محیط بین‌المللی تصمیمی خردمندانه‌تر اتخاذ کنند. سالهاست که بسیاری از پژوهشگران، تحلیلگران و دستگاه سیاست خارجی بعضی از کشورها از جمله ایران، در پی پاسخ به این سؤال بوده‌اند که آیا اتحادیه اروپا و آمریکا در قبال مسائل بین‌المللی از خط مشی واحدی پیروی می‌کنند؟ طرح این پرسش و پاسخ به آن برای بعضی کشورها از جمله ایران یک مسأله حیاتی است.

چراکه جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در یک تقابل سیاسی -ایدئولوژیک قرار دارند و هر یک از این دو در تلاشند برای اعمال فشار بر یکدیگر و یا کاهش فشار یکی بر دیگری به اتحادیه اروپا متوسل شوند. روسیه، چین و هر کشوری که یا با اتحادیه اروپا و یا با ایالات متحده دچار «مسأله» باشند سعی دارند برای پرسش فوق، پاسخ منطقی بیابند. پاسخ‌های مختلفی به سؤال یاد شده داده شده است که حول دیدگاه‌های زیر دور می‌زند.

۱. نگاه فرهنگ محور: این دیدگاه معتقد است زیر ساخت‌های فرهنگی و تمدنی مشترک، ایالات متحده و اروپا را به سوی اتخاذ مواضع یکسان و هماهنگ در قبال مسائل بین‌المللی هدایت می‌کند. از این دیدگاه، اروپا و آمریکا به رغم مواضع بعضاً ناهمسو در قبال بعضی از رویدادها، همگی در محور «غرب» قرار دارند. واژه «غرب» در اینجا یک بار ارزشی - فرهنگی دارد که «مسیحیت» جوهره اصلی آن را تشکیل می‌دهد. بنابراین، درباره هر آنچه با

ارزش‌های مسیحی مغایرت داشته باشد و یا تهدیدی علیه دنیای مسیحی باشد، اروپا و آمریکا موضعی یکسان و مشترک خواهند داشت.^{۱۲}

۲. نگاه سیاست محور: این دیدگاه معتقد است اروپا و آمریکا، کشورهایی دمکراتیک محسوب می‌شوند که لیبرالیسم جوهره آن را تشکیل می‌دهد. از دید اندیشمندان بزرگ لیبرالیسم (مثل کانت) دموکراسی‌ها با یکدیگر وارد جنگ نمی‌شوند بلکه ممکن است آنها علیه رژیم‌های غیردموکراتیک و اقتدارگرا نیز با هم متحد شوند. در این طرز تفکر، صلح لیبرالی میان کشورهای لیبرال و جنگ علیه رژیم‌های اقتدارگرا تلویحاً یک ارزش محسوب می‌شود؛ چراکه رژیم‌های اقتدارگرا خشونت طلبند و خشونت نیز پدیده نامشروعی است و بر هر دولت لیبرالی است که بر ضد خشونت وارد عمل شود. بدین ترتیب اگر در دیدگاه اول، بنیادهای فرهنگی - تمدنی باعث رفتارهای یکسان و مواضع هماهنگ میان اروپا و آمریکا می‌شود در دیدگاه دوم بنیادهای سیاسی - ارزشی موجب این هماهنگی می‌شود و رژیم‌های لیبرال را در مقابل رژیم‌های اقتدارگرا قرار می‌دهد.

۳. نگاه قدرت محور: طرفداران این رویکرد بیشتر در میان رئالیست‌ها یافت می‌شوند. طبق این دیدگاه، منافع ملی جوهره اصلی سیاست بین‌الملل و قدرت نیز ابزار اصلی در نیل به اهداف محسوب می‌شود. در این دیدگاه، ارزش‌ها و اخلاقیات جایگاه پائینی دارد و لذا هر کشوری صرف‌نظر از ماهیت نظام سیاسی‌اش از طریق اعمال قدرت در پی منافع ملی خود است. این دیدگاه اتحادیه اروپا و آمریکا را به رغم بنیادهای ارزشی و فرهنگی مشترک، واحدهایی قلمداد می‌کند که دارای منافع ملی مستقل هستند. از این‌رو، اتحادیه اروپا و آمریکا فقط در حوزه‌هایی موضع مشترک و یکسان دارند که منافع ملی آنها اقتضا می‌کند. در این دیدگاه، میان اروپا و آمریکا، میان کشورهای مسیحی و غیرمسیحی، میان رژیم‌های دمکراتیک و رژیم‌های اقتدارگرا و... تفاوتی وجود ندارد. به عبارت دیگر، در این دیدگاه، مبنای دوری و نزدیکی کشورها به هم نه مبنای فرهنگی و ارزشی بلکه منافع ملی است. این دیدگاه، منافع ملی کشورها را از نظر تأثیرگذاری بر مواضع، به سه دسته تقسیم می‌کند: منافع مشترک یعنی منفعی که دو یا چند کشور از تحقق آن، ابراز رضایت می‌کنند، منافع متعارض که موفقیت یکی به معنی ناکامی دیگری خواهد بود و منافع موازی که دو یا چند کشور به رغم اختلافات بنیادی که با یکدیگر دارند، در تحقق آن اهداف، ذینفع باشند.^{۱۳}

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که روابط اروپا و آمریکا و رویکردهای کلی این دو نسبت به مسائل بین‌المللی در قالب کدامیک از دیدگاه‌های فوق‌الذکر قابل تحلیل است؟

کلید پاسخ را باید در تعریف مسائل بین‌المللی و «نقشی» تعریف کرد که اتحادیه اروپا و آمریکا برای خود قائل هستند.

از یک منظر، مسائل بین‌المللی به دو حوزه اساسی تعلق می‌گیرند: حوزه سیاسی - امنیتی که حوزه‌ای حساس و بسیار مهم در جهت‌گیری سیاست خارجی کشورها است و حوزه اقتصادی - فرهنگی که در مقایسه با حوزه اول از حساسیت و اهمیت کمتری برخوردار است. از منظر نقش، می‌توان جایگاه‌های مختلفی متناسب با قدرت کشورها برای آنها تعریف کرد. با این حال برای کشورها چهار نقش قابل تصور است: نقش ملی، نقش منطقه‌ای، نقش بین‌المللی، نقش جهانی. آنچه تعیین‌کننده نقش کشورهاست قدرت ملی آنهاست.

به نظر می‌رسد اگر نقش کشورها را در کنار مسائل بین‌المللی قرار دهیم، می‌توان گفت سیاست اروپا و آمریکا بر اساس دو نقش تعریف می‌شود: نقش ملی و نقش بین‌المللی - جهانی. سیاست اروپا و آمریکا در قبال مسائل اقتصادی - فرهنگی براساس نقش ملی و سیاست این دو در قبال مسائل سیاسی - امنیتی براساس نقش بین‌المللی - جهانی تعریف می‌شود. اروپا و آمریکا در ایفای نقش بین‌المللی - جهانی خود مسئولیت مشترک دارند (و این روندی است که به تدریج شکل گرفته و به نوعی به اداره امور بین‌الملل مربوط می‌شود) و لذا مسئولیت مشترک، آنها را به سوی اتخاذ مواضع مشترک سوق می‌دهد (هر چند که ممکن است راجع به ابزارها و شیوه‌ها اختلاف نظر وجود داشته باشد)، این در حالی است که این دو در ایفای نقش ملی خود مسئولیتی متفاوت دارند و لذا ممکن است مواضع آنها نیز ناهمسو باشد. دقت در این تفاوت‌ها است که به ما نشان خواهد داد مخالفت اروپا با آمریکا در قضیه حمله آمریکا به عراق تا چه حد سطحی و برعکس رقابت آنها برای سلطه بر چاه‌های نفت عراق تا چه حد جدی بوده است.

عراق دومین ذخایر نفت جهان را در اختیار دارد. میزان ذخایر نفت عراق بالغ بر ۱۱۲ میلیارد بشکه تخمین زده می‌شود که شامل حدود ۱۱ درصد ذخایر نفت جهان است. بسیاری از کارشناسان معتقدند عراق حتی می‌تواند مجموع ذخایر نفت خود را دو برابر کرده و در حد ذخایر عربستان سعودی قرار دهد. زیرا طبق برآوردها ۹۰ درصد حوزه‌های نفتی عراق کشف نشده‌اند و تاکنون تنها ۲۰۰۰ چاه نفت در عراق مورد حفاری و استخراج قرار گرفته است. از هر ۱۰ چاهی که در عراق برای نفت حفاری می‌شود ۸ چاه به نفت می‌رسد در حالی که در عربستان از هر ۱۰ چاه تنها ۵ چاه به نفت می‌رسد. همچنین کیفیت نفت عراق بالا بوده و استخراج آن بسیار ارزان است. در واقع عراق تولیدکننده ارزان‌ترین نفت خام جهان با قیمت کمتر از ۱ دلار در بشکه است. ۱۴

لذا در اینجا حمله به عراق جزو مسائل سیاسی - امنیتی و رقابت بر سر نفت عراق جزو مسائل اقتصادی - فرهنگی است. علاوه بر این با شناخت همین تفاوت در حوزه‌ها، نقش‌ها و مسئولیت‌ها است که نشان می‌دهد اتحادیه اروپا و آمریکا در خصوص مسائل هسته‌ای ایران (جزو مسائل سیاسی - امنیتی) تا چه اندازه متحد و بدنبال همگرایی بیشتر هستند در عین حال برای رخنه و نفوذ در بازار ایران تا چه حد رقیب محسوب می‌شوند.^{۱۵}

واقعیت آن است که اروپا و آمریکا در عرصه سیاست‌ها و راهبردهای بین‌المللی با یکدیگر اشتراک نظر و وحدت ارزشی دارند و در واقع سیاست‌های آمریکا و اروپا بیشتر در جهت تحکیم روابط دو سوی اقیانوس اطلس سوق می‌یابد. اگر متحدان آمریکا هنوز معتقدند که رهبری آمریکا در مورد بسیاری مسائل بین‌المللی ضروری است، که ظاهراً اینگونه به نظر می‌رسد، چالش آنها این است که انتقاد خود را از سبک رهبری آمریکا به گونه‌ای مطرح کنند که مناسب مباحثه صریح و صمیمانه در میان دوستان و به شکلی باشد که همکاری آمریکا و اروپا را تقویت کند، نه آنکه آن را دشوارتر کند.^{۱۶}

ج. راهکارهایی برای مقابله با تهدیدها و افزایش فرصت‌ها در نظام بین‌الملل به طور فزاینده همگرا

برای چیره شدن بر تهدیدهای نظامی، امنیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از همکاری و همگرایی قدرت‌های بزرگ، به ویژه آمریکا و اتحادیه اروپا علیه دولت جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر چه باید کرد؟ در پاسخ باید گفت سیاست خارجی کشور باید استراتژی سنتی به جان هم انداختن قدرت‌های خارجی را رها کند، زیرا این قدرت‌ها دیر زمانی است که نه تنها رقیب یکدیگر نیستند بلکه برای بهره‌برداری‌های مختلف با یکدیگر رفیق و به اصطلاح هم سفره‌اند. پنج کشور آمریکا، انگلیس، فرانسه، چین و روسیه با دارا بودن بالاترین حجم تسلیحات هسته‌ای به «کلوب ۵ کشور» شهرت یافته‌اند. تلاش این پنج کشور در حفظ موقعیت برتر به گونه‌ای انکارناپذیر مشخص است. لذا عکس‌العمل این کشورها در قبال برنامه هسته‌ای ایران نیز ناشی از همین میل به حفظ موقعیت برتر و انحصار قدرت هسته‌ای است.^{۱۷}

این موضوع نه تنها در دوره کنونی صادق است، بلکه حتی در دوران پیش از انقلاب و حتی دوران قاجاریه هم مصداق داشته است و پیشینه آن به کنگره وین در سال ۱۸۱۵ (اگر نگوئیم کنگره وستفالی در سال ۱۶۴۸) برمی‌گردد.

در واقع، سیاست خارجی دولت‌های گوناگون ایرانی دست کم از زمان کنگره وین به این طرف، بیشتر اقدامات بیراهه و خطا بوده؛ چه، فرض عمده در این سیاست‌ها این بوده است که قدرت‌های خارجی در ارتباط با ایران در وجه غالب رقیب یکدیگرند و بنابراین، منافع و علائق آنها را می‌شود به کمک خود آن قدرت‌ها تعدیل و موازنه کرد.

با توجه به چنین فرضی بود که شاه عباس صفوی در قرن هفدهم از انگلیسی‌ها برای خارج کردن پرتغالی‌ها از خلیج فارس با موفقیت نسبی بهره برداری کرد. البته شاهان دیگر صفوی و نیز نادر شاه نتوانستند از هلندی‌ها علیه انگلیسی‌ها استفاده کنند؛ زیرا مناسبات این دو قدرت دریایی بسیار همگراتر بود تا مناسبات انگلستان و پرتغال.

تجربه شاهان و صدراعظم‌های قاجار برای ایجاد موازنه در میان قدرت‌های بزرگ، تنها شکست و ناکامی برای آنان به بار آورد. برای نمونه، تلاش فتحعلی شاه برای استفاده از ناپلئون و فرانسه علیه روسیه و انگلستان در چارچوب پیمان «فینکن اشتاین» هیچ سودی برای دولت او نداشت؛ چراکه در نهایت، ناپلئون با روس‌ها در قرارداد تیلسیت سازش کرد. سیاست موازنه منفی امیرکبیر هم راه به جایی نبرد؛ سیاست موازنه منفی دکتر محمد مصدق در دوران پس از قاجاریه نیز چنین بود.

موضوع بالا تنها ویژه کشور ما نبوده است. سیاست‌های کشورهای غیر متعهد در دهه‌های ۵۰ تا ۸۰ هم چندان نتایج بارز و درخشانی به بار نیاورد. در واقع، هیچ کدام از بنیان جنبش متعهد، به اصول جنبش وفادار نماندند.^{۱۸}

در سال‌های اخیر هم بهره گرفتن جمهوری اسلامی ایران از اتحادیه اروپا و یا فدراسیون روسیه علیه آمریکا قاعدتاً نمی‌توانست نتایجی موفق‌تر از سیاست موازنه دولت‌های سابق داشته باشد، زیرا به رغم رقابت‌هایی که میان این کشورها وجود دارد، آنها در عمل و در مقابله با کشورهای جهان سوم متعهد و همگرا هستند. در این مورد این ضرب‌المثل صادق است که «سگ زرد برادر شغال است». این کشورها در سیاست‌های اعمالی خود برای حفظ حکومت حزبشان، به همکاری با یکدیگر روی می‌آورند. لذا آنچه مشخص است پس از شکاف بین اروپا و آمریکا در جریان اشغال عراق توسط آمریکا، دو سوی آتلانتیک در صدد برآمده‌اند تا به نحوی این شکاف را ترمیم کنند و پرونده هسته‌ای ایران برای آمریکا و اروپا فرصتی برای این ترمیم به شمار می‌آید.^{۱۹}

یکی از مسائل جالبی که در ایران به آن توجه جدی نشده است اینکه اروپا و آمریکا در قبال ایران با یکدیگر اختلاف نظر نداشتند بلکه نوع نگرش آنان در قبال ایران متفاوت بوده است،

بدین معنا که آمریکا معتقد است تنها از طریق اعمال فشار شدید و ایجاد محدودیت می‌توان دولت ایران را وادار به تغییر رفتار کرد اما اروپاییان معتقد بودند از طریق گفتگو با ایران می‌توان تهران را ترغیب به تغییر رفتار، به ویژه در سیاست خارجی نمود.^{۲۰} سون تزو استراتژیست چین باستان در ۵۰۰ ق م، در کتاب معروف خود با نام «هنر جنگ» می‌نویسد: «اگر اهداف دشمن را بشناسی و اهداف خود را هم بشناسی دلیلی وجود ندارد که از نتایج یکصد نبرد هم بترسی اما اگر خود را بشناسی ولی دشمن را نشناخته باشی در برابر هر پیروزی متحمل شکست خواهی شد.»^{۲۱} پس از شکاف بین اروپا و آمریکا در جریان اشغال عراق توسط آمریکا، جمهوری اسلامی ایران سیاست خود را بر بهره‌گیری از تضاد دو قدرت اروپا و آمریکا استوار ساخته بود. هدف تهران آن بود که با توجه به اختلاف مواضع اروپا و آمریکا درباره مسائل مهم بین‌المللی ایران ضمن خروج از انزوای سیاسی، قدرت چانه‌زنی خود را ارتقا بخشد فارغ از اینکه اختلاف مواضع اروپا و آمریکا درباره مسائل ایران، اختلاف در تاکتیک و نحوه برخورد با این مسائل می‌باشد، نه اختلاف در ماهیت این مسائل، به عبارتی فقط نوع نگرش آنان در قبال ایران متفاوت بوده است، زیرا به رغم اختلاف نظر اروپایی‌ها در زمینه سلطه جویی و یکجانبه‌گرایی آمریکا، دو قدرت خواهان گسترش وسیع ارزش‌ها و علایق مشترکند. آمریکا و اعضای اتحادیه اروپا هنوز به یکدیگر نیاز دارند و بارها نشان داده‌اند که به خاطر بازیگری مانند ایران در مقابل هم نخواهند ایستاد.^{۲۲}

لذا توجه به این مهم از جانب تصمیم‌گیران و صاحب‌نظران کشورمان ضروری است و موضوعی است که باید به آن توجه ویژه‌ای کنند و انتظار نداشته باشند که اروپا در خصوص پرونده هسته‌ای ایران به مقابله با آمریکا برخیزد، قبول این واقعیت مستلزم آن است که در گفت‌وگوهای سیاسی به جای دعوت از اروپا برای جدایی از آمریکا و داشتن استقلال عمل اروپایی، از اروپا دعوت شود به شیوه‌ای آمریکا را ترغیب کند تا راه حل مذاکره را برای مسئله هسته‌ای ایران بپذیرد. در دوره کوتاهی که از سقوط صدام حسین در عراق آغاز می‌شود تا به امروز، اروپا و آمریکا به سرعت اختلافات خود در قبال مسائل ایران را کنار گذاشته و سیاست‌های واحدی اتخاذ کرده‌اند. اتحادیه اروپا نیز، اینک گسترش مناسبات خود با ایران را به رعایت حقوق بشر، تعلیق غنی‌سازی اورانیوم، امضای قرارداد الحاقی مربوط به بازرسی‌های سرزده از تاسیسات اتمی و عدم حمایت از تروریسم و همکاری در تلاش‌های مربوط به صلح میان اسرائیل و فلسطین مشروط کرده‌اند. بدون شک در این میان دیپلماسی کارا و خردگرا می‌تواند چشم‌انداز جدیدی را در صحنه سیاست خارجی برای ایران به وجود آورد.^{۲۳}

از آنجا که مطرح شدن هر چه بیشتر پرونده هسته‌ای در شورای امنیت قدرت چانه زنی ایران در تعامل با آژانس را کاهش می‌دهد، تاخیر در حل مسئله در چارچوب آژانس، به تدریج مداخله شورای امنیت را پررنگ‌تر خواهد نمود و به تناسب مداخله شورای امنیت، وزن بار سیاسی پرونده به نسبت بار حقوقی و فنی آن افزایش خواهد یافت. باید توجه داشت که در شورای حکام حق آمریکا یک رای از ۳۵ رای است در صورتی که در شورای امنیت یک رای از ۱۵ رای است، اختیارات شورای حکام بسیار محدود است در حالی که اختیارات شورای امنیت بسیار گسترده است.^{۲۴} شورای امنیت به عنوان یک نهاد سیاسی، نه تنها خود را مکلف به رعایت عدالت نمی‌داند بلکه در ارزیابی یک وضعیت به عنوان تهدید کننده صلح و امنیت بین‌المللی از هیچ معیار قانونی تبعیت نمی‌کند و تنها ملاحظات و ارزیابی‌های اعضای دائم شورای امنیت بر تصمیم‌گیری‌های شورا تاثیر می‌گذارد. از طرف دیگر هیچ نهاد بین‌المللی بر تصمیمات شورای امنیت از جهت مطابقت یا عدم مطابقت آن با حقوق بین‌الملل نظارت نداشته و آن را کنترل نمی‌کند.^{۲۵} لذا مسئولین کشورمان باید تلاش مضاعفی در جهت بازگرداندن پرونده هسته‌ای به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و حل آن در این نهاد انجام دهند. مسئولین نظام جمهوری اسلامی باید با استفاده از مواضع به حق خود در پرونده هسته‌ای که علمی، قانونی، حق، صادقانه و مظلومیت است و با تاکید بر مواضع ارتجاعی، نابحق، مزورانه و تبعیض‌آمیز آمریکا و اروپا، با منطق قوی، روشن و قانع کننده، افکار عمومی جهان را تحت تاثیر قرار دهند.^{۲۶} مقامات مسئول در پرونده هسته‌ای باید با اتخاذ مواضعی منطقی و هوشیارانه فضای حاکم بر جامعه بین‌الملل را به سمتی هدایت کنند که اساساً بحث در مورد اقدام نظامی علیه کشورمان، فراموش شود، زیرا عده‌ای از مقامات تندرو و افراطی کاخ سفید مترصد فرصت هستند و این عده از دیرباز تغییر رژیم و یا تغییر ساختار را بهترین راه حل برای برخورد با ایران می‌دانند. بنابراین هیچ دیپلماسی هوشیاری این فرصت را در اختیار دشمن خود قرار نخواهد داد. حتی در شرایطی که عملی شدن این خطر بسیار بعید است.

لذا تردیدی نیست که مذاکره بهترین راه پیش رو است. در حالی که این مذاکره مورد حمایت سازمانهای بین‌المللی ذی ربط همچون IAEA نیز است. افراد مسئول در پرونده هسته‌ای کشورمان نباید فراموش کنند از طریق همین مذاکره و روند دیپلماتیک بود که توانستند بسیاری از شائبه‌ها را پایان داده و موضع کشورمان را در مجامع بین‌المللی تقویت کنند. امید است طرف‌های اروپایی نیز با درک اهمیت لزوم مذاکره سازنده و با دقت و توجه به واقعیت‌های موجود، پای میز مذاکره حاضر شوند و نیت را بر حل مشکل بناکنند و نه اتلاف زمان.^{۲۷}

نتیجه

بدنبال شکاف بوجود آمده بین اروپا و آمریکا بعد از حمله آمریکا به عراق، متصدیان سیاست خارجی کشورمان، سیاست خود را بر بهره‌گیری از تضاد دو قدرت اروپا و آمریکا استوار ساخته بودند. هدف مسئولین کشورمان آن بود که با توجه به اختلاف مواضع اروپا و آمریکا درباره مسائل مهم بین‌المللی ایران ضمن خروج از انزوای سیاسی، قدرت چانه‌زنی خود را ارتقا بخشد فارغ از اینکه اختلاف مواضع اروپا و آمریکا درباره مسائل ایران، اختلاف در تاکتیک و نحوه برخورد با این مسائل می‌باشد، نه اختلاف در ماهیت این مسائل، به عبارتی فقط نوع نگرش آنان در قبال ایران متفاوت بوده است، زیرا به رغم اختلاف نظر اروپایی‌ها در زمینه سلطه‌جویی و یکجانبه‌گرایی آمریکا، دو قدرت خواهان گسترش وسیع ارزش‌ها و علایق مشترکند. آمریکا و اعضای اتحادیه اروپا هنوز به یکدیگر نیاز دارند و بعید است که به خاطر بازیگری مانند ایران در مقابل هم بایستند.

لذا پی بردن به مواضع اروپا و آمریکا در عرصه مسائل مهم ایران بویژه پرونده هسته‌ای، می‌تواند دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در اتخاذ تصمیمی خردمندانه‌تر در محیط نوین بین‌المللی یاری رساند، زیرا برخی زمامداران معتقدند امکان بهره‌گیری از تضاد و رقابت دو قدرت اروپا و آمریکا براساس دیپلماسی «بده - بستان» وجود دارد و برخی دیگر بر این باورند که ایالات متحده و اتحادیه اروپایی، از ارزش‌های یکسان و پیوندی ناگسستنی برخوردارند و هیچ‌گاه حاضر نخواهند شد به خاطر ایران روابط پسر عموهای لیبرال دموکراسی مسیحی را خدشه دار سازند.

واقعیت آن است که بهره‌گیری از تضاد آمریکا و اروپا نیازمند هوشمندی و هوشیاری در نحوه کاربرد این سیاست است و اعتماد سازی و نه اعتمادگری باید در اولویت سیاست خارجی ایران در قبال طرف‌های درگیر در این پرونده قرار گیرد. البته مشارکت دولت‌های بیشتری مثل چین، هند، روسیه و غیر متعهدها در این مسیر دیپلماسی قدرت مانور و چانه‌زنی ایران را بیشتر می‌کند. لذا مناسبات با همه قدرت‌ها، پرهیز از انداختن قدرتی به جان دیگری و اعتماد سازی جهانی در پرونده هسته‌ای باید سرلوحه سیاست خارجی کشورمان قرار گیرد.

منابع:

اسلون، استانی، آر (۱۳۸۳)، سیطره آمریکا و خودمختاری اروپا: چالشهای رابطه دو سوی اقیانوس اطلس، مترجم: وحید رضا نعیمی، همشهری دیپلماتیک، نیمه اول خرداد ۱۳۸۳.

امامزاده فرد، پرویز (۱۳۸۴). افزایش زمینه‌های همگرایی در برداشت‌ها و مناسبات اتحادیه اروپا و آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر؛ فرصت‌ها و تهدیدهای امنیتی فراسوی جمهوری اسلامی ایران، کتاب امنیت بین الملل (۲)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، صص ۱۷۵-۷۷.

امید، احمد (۱۳۸۴). نقاط ضعف آمریکا و اروپا در جدال هسته‌ای با ایران، ۱۱/۷/۱۳۸۴.

http://www.iscanews.ir/fa/Show_NewsItem.aspx?NewsItemID=20973

اینگرام، پل (۱۳۸۴)، شورای امنیت: تهدید صوری، همشهری دیپلماتیک، شماره ۶۸، ۱۶ مهر ۱۳۸۴. بصیری، محمدعلی قاسمی، مصطفی (۱۳۸۵). بررسی مواضع اتحادیه اروپا و آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران، مجله سیاست دفاعی، تهران: دانشگاه امام حسین (ع)، سال ۱۴، شماره ۲، بهار ۱۳۸۵، صص ۶۴-۲۵.

خالوزاده، سعید (۱۳۸۲). تحلیلی بر سردی روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپایی، ۱۶ دی <http://www.did.ir/catalog/index.fa.asp?cn=na00020041901290608&query=۲>

خلیلی، اسداله (۱۳۸۲). سیاست آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی روز، تهران: ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه، سال سوم، شماره ۱۲، تابستان ۱۳۸۳، صص ۱۰۰-۶۷. دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۳). مناسبات آمریکا و اروپا: همسویی یا ناهمسویی؟ کتاب اروپا (۴)، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، صص ۹۳-۶۱.

رضایی، علی اکبر (۱۳۷۸). شرایط نوین و تغییرات راهبردی در خاورمیانه، مجله سیاست خارجی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارج، سال سیزده، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸، صص ۵۹۹-۵۸۷.

زهرانی، مصطفی (پاییز ۱۳۸۳). انتخاب مجدد بوش و جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، تهران: وزارت امور خارجه، سال هیجدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۳، صص ۵۱۷-۴۷۷. شفیع، نوذر (۱۳۸۳). بنیادهای رفتاری آمریکا و اروپا: همسویی و ناهمسویی در مواضع، تهران، همشهری دیپلماتیک، نیمه اول خرداد ۱۳۸۳، شماره ۱۳.

طاهری، معصومه (۱۳۸۴). ایران و مدیریت بحران هسته‌ای، ۲۶ مهر ۱۳۸۴.

http://www.sharghnewspaper.com/840726/html/diplom.htm_s315102

طباطبایی، علی (۱۳۸۱). اهمیت استراتژیک نفت عراق برای آمریکا، نشریه ایران، ۱۲ اسفند ۱۳۸۱.

عبدالکریم، مریم (۸۴/۱/۳). ایران و پنج قدرت هسته‌ای بزرگ، کتابخانه دیجیتال دید.

<http://www.did.tisri.org>

گلشن پژوه (الف)، محمودرضا (۱۳۸۲). اروپا و آمریکا: دور جدید ادعاهای نقض حقوق بشری علیه

جمهوری اسلامی ایران، ۳ اسفند ۱۳۸۳.

<http://old.did.ir/catalog/index.fa.asp?cn=na00020052292211&query>

گلشن پژوه (ب)، محمود رضا (۱۳۸۳). نگاهی به بیانیه اتحادیه اروپا درباره وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، ۳ مرداد ۱۳۸۳.

<http://old.did.ir/catalog/index.fa.asp?cn=na00020040207272517&query>

موسوی، رسول (۱۳۸۴)، آینده راه طی شده، ویژه نامه همشهری دیپلماتیک، ۱۵ مرداد ۱۳۸۴.
مولایی، یوسف (۱۳۸۵)؛ بررسی وضعیت پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت سازمان ملل چالش‌ها و فرصت‌ها، اردیبهشت ۱۳۸۵.
<http://www.hamshahri.net>.

پی‌نوشتها:

۱. رضایی، ۱۳۷۸، ۵۸۸.
۲. دهشیری، ۱۳۸۳، ۸۳.
۳. دهشیری، ۱۳۸۳، ۸۵.
۴. گلشن پژوه [ب]، ۱۳۸۳، ۶.
۵. دهشیری، ۱۳۸۳، ۸۶.
۶. زهرانی، ۱۳۸۳، ۵۰۵.
۷. زهرانی، ۱۳۸۳، ۵۰۵.
۸. گلشن پژوه [الف]، ۱۳۸۳، ۵.
۹. دهشیری، ۱۳۸۳، ۸۱.
۱۰. گلشن پژوه [الف]، ۱۳۸۴، ۶.
۱۱. دهشیری، ۱۳۸۳، ۸۲.
۱۲. شفیعی، ۱۳۸۳، ۸.
۱۳. شفیعی، ۱۳۸۳، ۹.
۱۴. شفیعی، ۱۳۸۳، ۹.
۱۵. شفیعی، ۱۳۸۳، ۹.
۱۶. اسلون، ۱۳۸۳، ۸.
۱۷. عبدالکریم، ۱۳۸۴، ۱.
۱۸. امامزاده فرد، ۱۳۸۴، ۱۶۳.
۱۹. موسوی، ۱۳۸۴، ۳.
۲۰. خلیلی، ۱۳۸۳، ۹.
۲۱. طاهری، ۱۳۸۴، ۵.
۲۲. بصیری، ۱۳۸۵، ۶۲.
۲۳. خالوزاده، ۱۳۸۲، ۲.
۲۴. طاهری، ۱۳۸۴، ۵.
۲۵. مولایی، ۱۳۸۵، ۴.
۲۶. امید، ۱۳۸۴، ۴.
۲۷. اینگرام، ۱۳۸۴، ۶.

